

**سال رونق تولید**

آموزش تحلیل سیاسی/

به هم رحم کنید تا خدای متعال به شما رحم کند. کسانی که زرنگی و هوش و امکانات و قدرت و مسؤولیت و توانایی های گوناگون فردی و اجتماعی دارند، از این توانایی ها در راه تعدّی به دیگران استفاده نکنند.

خود را بنده خدا بدانیم؛ در مقابل بقیه بندگان خدا، خود را موظّف به همراهی، احسان، نیکی و رعایت انصاف بدانیم؛ آن‌گاه باران رحمت و فضل خدا بر سر ما خواهد بارید و برکات خود را بر ما نازل خواهد کرد.



معاونت تحلیل و بررسی سیاسی

**سال دوم / شماره163/شنبه 21 اردیبهشت 1398**

**معاونت تحلیل و بررسی سیاسی**

**دو ماه دیگر قرار است چه اتفاقی بیفتد؟!**

****

1- دو ماه دیگر قرار است چه اتفاق جدیدی بیفتد؟ معجزه می‌شود و اروپایی که همواره دنباله‌رو و تسلیم آمریکا بوده و همواره با ما دشمنی و بدعهدی کرده، تغییر جوهری در هویت متصلب خود خواهد داد یا به مسیر گذشته ادامه می‌دهد. آیا واقعا کشف موضع اروپا دو ماه زمان خواهد برد؟

2- اروپایی‌ها جواب موثر و سودبخشی ندارند بدهند، چون اراده مستقلی ندارند. جواب سؤال ما درباره دو ماه بعد، در سخنان چهارشنبه گذشته آقای روحانی نهفته است که به درستی گفت: «مشکل اروپا این است که آمریکا را کدخدا می‌داند. در مقام عمل متاسفانه ناتوان بودند. سال ۸۳ وقتی مذاکره می‌کردیم، مشکلی بود و آن اینکه اروپایی‌ها آمریکا را کدخدای خود می‌دانستند؛ الان اوضاع کمی بهتر شده ولی همچنان این تفکر وجود دارد.»

3- گام بعدی ما چیست؟ دولت تدبیری اندیشیده یا نه؟ ما اکنون در حال زمان خریدن هستیم یا از دست دادن زمان و فرصت‌سوزی؟ اگر به اتمام حجت باشد که آقای روحانی همان 18 اردیبهشت پارسال «چند هفته» به اروپایی‌ها فرصت داد و پس از آن هم آقایان ظریف و عراقچی، مهلت‌های دو ماهه را چهار پنج بار تمدید کردند اما این روند، به وعده‌های ضد برجامی و بی‌محتوایی نظیر راه‌اندازی کانال SPV و INSTEX منتهی شد!

4- آقای روحانی خودش می‌گوید پانزده سال قبل هم اروپایی‌ها معطل کدخدا بودند و حالا نیز همان است. خب پس چرا باید همچنان معطل و امیدوار آنها یا معطل بازگشت دموکرات‌ها به دولت در آمریکا باشیم؟

5- اکنون اجماع ملی کم‌نظیری درباره فرصت‌سوزی برجامی و خطا بودن وضعیت تعلیق و انتظار فراهم آمده که می‌تواند مقدمه خروج از بی‌عملی و معطلی فعلی باشد.

6- شش سال از بهترین فرصت‌ها و ظرفیت‌های کشور، پای آرزواندیشی و رویااندیشی و سپس خاطره بازی با برجام تلف شد.

7- حالا هم دیر نیست. جلو ضرر را از هر جا بگیرند، منفعت است. فقط باید خواست و اراده کرد. خواستن است که توانستن را با خود می‌آورد و «ما می‌توانیم» را واقعیت می‌بخشد. بارها توانسته‌ایم و باز هم می‌توانیم.

**حکم فریدون و هشدار به عدالتخواهان!**

****

تحلیل وضعیت کنونی کشور به هیچ روی کار آسانی نیست. دشواری و ابهام مذکور نیز بیش از هر چیز معلول عملکرد نامشخص مجموعه دولت در رابطه با مسائل مختلف است. هیچ‌کس نمی‌داند دولت دست آخر همچنان معتقد به بازار آزاد است یا به کوپنی کردن برخی اقلام و کنترل نرخ‌ها رضایت خواهد داد؟! شواهد می‌گویند خود دولت هم دقیقا نمی‌داند! در موارد مشابه و متعدد دیگر هم وضعیت همین است.

بنزین، برجام، طرح تحول سلامت، حذف یارانه ثروتمندان، تعطیلی یا تداوم دلار جهانگیری و یک لیست بلندبالا در حوزه‌‌های مختلف را می‌توان به این فهرست افزود. کارها مدت‌هاست در وضعیت برزخی مانده است. انگار استخاره آقایان، میانه آمده باشد یا چیزی شبیه این! همزمان با این بی‌عملی که در برخی حوزه‌ها به انگاره بی‌دولتی محض دامن می‌زند، در حوزه فضای مجازی، مجموعه افکار عمومی کشور حکم گوشت قربانی را پیدا کرده‌اند. فضایی که با تاخت و تاز شبکه‌‌های اجتماعی خارجی، ما تقریبا هیچ حاکمیت خاصی بر آن نداریم و دولت هم ظاهرا از این وضعیت بدش نمی‌آید!

در میان تعدد سوژه‌ها اما «صدور حکم حبس حسین فریدون، برادر رئیس‌جمهور مستقر» طی روزهای گذشته را می‌توان به عنوان یکی از این نقاط روشن و مثبت در زمینه مبارزه با فساد بر سر دست گرفت. امری که ظاهرا در نگاه کسانی که دغدغه عدالت هم دارند، چندان واجد ارزش پرداخت و اهمیت نبوده است! این در حالی است که برخورد دستگاه عدلیه با مفاسد نزدیکان رئیس‌جمهور مستقر هیچ‌گاه چنین مستحکم، قاطع و بدون مماشات نبوده است. صدور حکم حبس برای یکی از اقوام درجه یک رئیس‌جمهور مستقر با توجه به پرونده روشن او می‌تواند این معنای بدیهی را داشته باشد که عزم کاملا قاطعی در برخورد با فساد وجود دارد؛ عزمی که می‌تواند هیچ استثنایی در بر نداشته باشد.

**با تحریم‌کنندگان داخلی چه کنیم‌**

**"صنعت"**

تاثیرات مخرب تحریم‌های اقتصادی آمریکا بر زندگی مردم، اقتصاد و نظام بانکی کشور ما دارد هر روز نمایان‌تر می‌شود و خوشبختانه مسوولان دولتی بر‌خلاف گذشته که سعی در سرپوش گذاشتن بر اهمیت این تحریم‌ها برای اقتصاد ایران داشتند، حالا با صراحت و شفافیت بیشتری درباره خسارت‌ها و آسیب‌هایی که تحریم‌های اقتصادی دولت دونالد ترامپ بر کیان اقتصاد و خصوصا درآمدهای نفتی ما وارد ساخته سخن می‌گویند. سخنرانی اخیر رییس‌جمهور و بیانیه شورای

امنیت ملی خطاب به رهبران اتحادیه اروپا که در آن به توقف موقتی برخی تعهدات ایران در ارتباط با برجام اشاره شده خود گواهی بر شدت ناراحتی و نارضایتی عالی‌ترین ارکان دولت و حاکمیت از تنگ‌تر شدن حلقه محاصره تحریم‌های اقتصادی آمریکا و بی‌تفاوتی و بی‌عملی اروپایی‌ها در قبال آنهاست. این یک نقطه مثبت در رویکردها و سیاست‌های اخیر دولت در قبال تحریم‌های اقتصادی یکجانبه آمریکا به حساب می‌آید که می‌تواند تا حدودی اعتماد از دست رفته مردم نسبت به گفتار و کردار دولت را ترسیم کند چون تا پیش از این در حالی که فشارهای معیشتی کمبودها و گرانی‌ها هر روز بیشتر و بیشتر می‌شد و نرخ تورم دو رقمی‌ همراه با سقوط آزاد پی در پی ارزش پول ملی و اوج‌گیری نرخ دلار رکوردهای تازه‌ای را پشت سر می‌گذاشت مسوولان عالی‌رتبه دولت از شخص رییس‌جمهور گرفته تا دیگران در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های خود سعی در ناچیز و بی‌اهمیت جلوه دادن تحریم‌های اقتصادی داشتند و به موازات آن هر روز از اعتماد عمومی نسبت به دولت و دولتمردان کاسته می‌شد اما در ارتباط با موضوع تحریم‌ها نکته مهمی که اثرات مخرب آن بر اقتصاد و زندگی و معیشت مردم کمتر از تحریم‌های اقتصادی آمریکا نیست و می‌توان از آن به عنوان مکمل و تشدیدکننده آثار سوء این تحریم‌ها یاد کرد، تحریم‌هایی است که گردانندگان بازار مصرف داخلی اعم از تولیدکنندگان، واردکنندگان، تجار، بنکداران، دلالان دانه‌درشت و متاسفانه برخی صنوف و خرده‌فروشان در این روزهای سخت دارند بر سبد هزینه‌ خانوار تحمیل می‌کنند.

اینکه ناگهان در آستانه ماه مبارک رمضان قیمت خرمای محصول نخلستان‌های جنوب و شرق کشور که یکی از مواد غذایی انرژی‌زا برای روزه‌داران است، در خرده‌فروشی‌ها به طور نجومی افزایش پیدا می‌کند و به حدود کیلویی پنجاه، شصت هزار تومان می‌رسد، اینکه مشاهده می‌کنیم قفسه‌های انواع چای داخلی و وارداتی به ناگهان خالی می‌شود و بعد از گذشت چند روز همان پاکت‌ها و قوطی‌های چای به قیمت دو برابر روزهای گذشته، قفسه فروشگاه‌های کوچک و بزرگ شهر را پر می‌کند، اینکه می‌بینیم در کشور پهناور و چهار‌اقلیمی چون ایران ظرف مدت کوتاهی قیمت گوشت قرمز در قصابی‌ها و فروشگاه‌های بزرگ شهر به محدوده کیلویی یکصد و بیست هزار تومان می‌رسد و همچون خاویار و دیگر خوراکی‌های گران‌قیمت و کمیاب به یک ماده غذایی لوکس، تجملاتی و غیرقابل دسترس برای اکثریت بسیار زیادی از گروه‌های کارمندی و کارگری کشور تبدیل می‌شود و اینکه قیمت بسیاری از دیگر کالاهای اساسی مورد نیاز مردم یک‌شبه چند برابر می‌شود و مقامات دولتی هم قادر به انجام کاری برای مقابله با این افزایش قیمت‌ها نیستند، یک واقعیت بسیار تلخ را به اثبات می‌رساند. واقعیت تلخ و انکارناپذیر این است که ما علاوه بر تحریم‌های خارجی، با پدیده ویرانگرتری به نام تحریم‌های داخلی دست به گریبانیم؛ تحریم‌هایی که ساختار بسیار معیوب اقتصاد‌ رانتی و جماعتی از گردانندگان محوری حوزه تولید و تهیه و توزیع سیر تا پیاز کالاهای اساسی و مواد غذایی مورد نیاز عموم مردم مواجه هستیم که همچون اختاپوس بر همه ارکان کسب‌و‌کار، تجارت و مبادله کالا در داخل کشور چنگ انداخته‌اند و به صغیر و کبیر هم رحم نمی‌کنند.

**حضور مهاجران افغانستانی برای اقتصاد ایران، فرصت یا تهدید؟**

**الف:** ۱- درست است که مهاجران افغانستانی در حال حاضر بیش از ۲.۵ میلیون فرصت شغلی در کشور را در اختیاردارند اما این تحلیل که بازگشت ایشان موجب افزایش فرصت‌های شغلی برای بیکاران موجود کشور گردد،

غیرواقعی هست، چراکه بخش اعظم مهاجران افغانستانی در حوزه خدمات شهری و نیز شغل‌های پایین‌دستی صنعت ساختمان و عمران کشور مشغول هستند و این رده‌های شغلی با شرایط و ویژگی‌های نیروی جویای کار ایران تناسبی ندارد.

۲- این احتمال وجود دارد که در صورت خروج مهاجرین، به سبب اینکه بخش قابل‌توجهی از شغل این عزیزان در شهرهای بزرگ است، به جهت جذابیت‌های شهری، موجب مهاجرت کشاورزان و روستائیان به شهرها جهت تصاحب فرصت‌های شغلی پیش‌آمده گردد و این امر مهاجرت روستاییان و حاشیه‌نشینی شهرها را افزایش می‌دهد.

۳- خروج این مهاجرین، موجب کمبود نیروی کار برای این مشاغل شده و عملاً هزینه‌های نیروی کار و تولید بخصوص در صنعت ساختمان و امور عمرانی، به‌شدت افزایش می‌یابد.

۴- برخی صنایع ایران که تولیدات آن‌ها قابلیت رقابتی داشته و به جهت کیفیت و قیمت پایین، از اولویت‌های صادراتی کشور محسوب می‌گردند در اختیار نیروی کار افغانستانی‌هاست.

۵- حضور خانواده‌های افغانستانی در ایران، موجب رفت‌وآمد خانواده‌های افغانستانی بین ایران و افغانستان گردیده است. سالانه میلیون‌ها افغانستانی به جهت دیدوبازدید اقوام خود به ایران سفر می‌کنند که این امر فواید اقتصادی و ارزآوری قابل‌توجهی برای ایران دارد.

۷- صادرات به کشور افغانستان طی سال گذشته به رقم حدود ۳ میلیارد دلار رسید که از ۸۸ گمرک و منطقه اقتصادی صورت پذیرفته است. این در حالی است که این رقم تا چندین برابر قابل‌افزایش است. برخورد سلبی با حضور مهاجران و ایجاد فضای تنش بین ملت دو کشور، قطعاً در کاهش این میزان صادرات تأثیر خواهد داشت.

۸- و نکته آخر اینکه، سرمایه اجتماعی بین کشورهای همسایه در اقتصاد بین‌الملل، نقش بسزایی در شاخص‌های اقتصادی کشورها دارد. همین سرمایه و اعتماد اجتماعی موجب تعامل و همکاری ملت‌ها و دولت‌ها در بحران‌های مختلف می‌گردد.

درمجموع حضور مهاجرین افغانستانی موجب کاهش هزینه نیروی کار، رونق تولید، رقابت‌پذیری کالای ایرانی، افزایش توریست، امکان افزایش صادرات غیرنفتی و نهایتاً ارتقاء سرمایه اجتماعی فی‌مابین ملت‌ها می‌گردد.

**واکنش سپاه به پیشنهاد ترامپ**

معاون سیاسی سپاه: مذاکره‌ای با آمریکایی‌ها انجام نخواهد شد و آمریکایی‌ها هم جرأت اقدام نظامی علیه ما را نخواهند داشت. ترامپ فکر می‌کرد با تحریم‌ها و فشار‌های جدیدی که آمریکا پس از خروج از برجام بر جمهوری اسلامی تحمیل می‌کند، ایران دچار نوعی به هم ریختگی داخلی می‌شود و در نهایت به مذاکره و گفت‌وگو با آمریکا تن خواهد داد، اما در عمل چنین اتفاقی نیفتاد. در سال ۹۷ تصور تیم ترامپ بر این بود که ایران دچار یک آشفتگی خواهد شد و برای رهایی از فروپاشی تن به مذاکره با آمریکا خواهد داد، اما در عمل چنین اتفاقی نیفتاد و آمریکایی‌ها به این جمع‌بندی رسیدند که باید چیز‌های دیگری را چاشنی این تحریم‌ها کنند.

معاون سیاسی سپاه تاکید کرد: در سال‌جاری شاهد این بودیم که از یک طرف سپاه را در فهرست سازمان‌های ترویستی قرار دادند و از طرف دیگر ناو هواپیمابر خودشان را به منطقه اعزام کردند و یک نوع ادبیات جنگی را در پیش گرفتند. به نظر می‌رسد تصور آنها این است که اگر یک نوع ادبیات نظامی را چاشنی تحریم‌ها و فشار‌های اقتصادی خودشان بکنند،

ملت ایران مرعوب شده و دولتمردان جمهوری اسلامی تن به مذاکره می‌دهند. این همان چیزی است که ترامپ در سخنان اخیر خودش اعلام کرده که آماده است تا مقامات جمهوری اسلامی با او تماس بگیرند و پای میز مذاکره بنشینند. سردار جوانی اظهار کرد: آمریکایی‌ها دچار نوعی بر آشفتگی و عصبانیت هستند و به خاطر استیصالی که دارند هر آنچه در توان دارند به میدان آورده‌اند تا بتوانند مقاومت ۴۰ ساله ملت ایران را بشکنند و نماد این امر هم تن دادن جمهوری اسلامی به مذاکره تحت فشار با دولتمردان آمریکا است.

